

# دعا کی ایک کمیٹی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشینده و مهربان

*In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful.*

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي  
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

خدایا من از تو می خواهم بحق آن رحمت که  
همه چیز را فرا گرفته

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ۖ

و به آن نیرویت که همه چیز را  
بوسیله آن مقهور خویش کردی

وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ۖ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ۖ

و همه چیز در برابر آن خاضع و  
همه در پیش آن خوار است

وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به جبروت تو که بوسیله آن چیره گشتی

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ  
وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ

و به عزتت که چیزی در برابرش نه ایستد  
و به آن عظمت و بزرگیت که پر کرده هر چیز را

وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

و به آن سلطنت و پادشاهیت که بر هر چیز برتری گرفته  
و به ذات پاکت که پس از نابودی هر چیز باقی است



وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتِ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ  
وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ

و به نامهای مقدست که اساس هر موجودی را پر کرده  
و به آن علم و دانشت که احاطه یافته به هر چیز

وَبِنُورٍ وَجْهِكَ الَّذِي أُضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ

و به نور ذاتت که روشن شد در پرتوش هر چیز

یا نُورِ یا قُدُّوسُ

ای نور حقیقی و ای منزّه از هر عیب

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ

ای آغاز موجودات اولین و ای پایان آخرین

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ

خدایا بیامرز برایم آن گناہانی را کہ پرده ها را بدرد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقْمَ

خدایا بیامرزش برایم آن گناہانی را  
کہ عِقَاب و کیفرها را فرو ریزد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النُّعْمَ

خدایا بیامرزش برایم آن گناہانی را  
که نعمت‌ها را تغییر دهد

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي مَحَبَسُ الدُّعَاءِ

خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را  
که از اجابت دعا جلوگیری کند



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ

خدایا بیامرزش برایم  
آن گناهانی را که بلا نازل کند

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ  
وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

خدایا بیامرز برایم هر گناهی که کرده ام  
و هر خطایی که از من سر زده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى  
نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ

خدایا من به سوی تو تقرب جویم بوسیله ذکر تو و  
شفیع آورم بدرگاهت خودت را و به جود و کرمیت از تو  
می خواهم که مرا به مقام قرب خویش نزدیک سازی

وَأَنْ تُوزِعَ عَنِّي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و شکر و سپاسگزاریت را بر من روزی کنی  
و ذکر خود را به من الهام کنی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ  
خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي

خدایا از تو درخواست می کنم درخواست شخص  
فروتن خوار ترسان که بر من آسان گیری  
و به من رحم کنی

وَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا  
وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا

و مرا به آنچه برایم قسمت کرده‌ای  
راضی و قانعم سازی و در تمام حالات فروتنم کنی

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَأَنْزَلَ بِكَ  
عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ

خدایا از تو درخواست کنم درخواست کسی که سخت فقیر و بی  
چیز شده و خواسته اش را هنگام سختیها پیش تو آورده و  
امیدش بدانچه نزد تو است بسیار بزرگ است

اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ وَعَلا مَكَانِكَ وَخَفِي  
مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ  
قُدْرَتُكَ وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

خدایا سلطنت و پادشاهیت بس بزرگ و مقامت بسی بلند است مکر و  
تدبیرت در کارها پنهان و امر و فرمانت آشکار است قهرت غالب و قدرت  
و نیرویت نافذ است و گریز از تحت حکومت تو ممکن نیست



اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا  
وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ

خدایا نیابم برای گناهانم آمرزنده‌ای  
و نه برای کارهای زشتت پرده‌پوشی  
و نه کسی را که عمل زشت مرا به کار نیک تبدیل کند جز تو

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ

نیست معبودی جز تو منزهی تو و به حمد تو مشغولم

ظَلَمْتُ نَفْسِي

من به خویشتم ستم کردم

وَجَرَأَتْ بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ  
ذِكْرِكِ لِي وَمَنْكَ عَلَى

و در اثر نادانی ام دلیری کردم و به اینکه همیشه از قدیم به یاد  
من بوده و بر من لطف و بخشش داشتی آسوده خاطر نشستم

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَرِّ مِنْ قَبِيحِ سِتْرَتِهِ  
وَكَرِّ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبُلَاءِ أَقْلَتَهُ  
وَكَرِّ مِنْ عِثَارِ وَقَيْتِهِ

ای خدا ای مولای من چه بسیار زشتی‌ها که از من پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگین که از من بازگرداندی و چه بسیار لغزشها که از آن نگه‌م داشتی

وَكَمٍ مِّنْ مَّكْرٍ وَهُدٍ دَفَعْتَهُ

وَكَمٍ مِّنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نُشْرَتُهُ

و چه بسیار ناراحتی‌ها که از من دور کردی و چه بسیار مدح و  
ثنای خوبی که من شایسته‌اش نبودم و تو آن را منتشر ساختی

اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي  
وَقَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي وَقَعَدَتْ بِي أَغْلَالِي

خدایا بلای من بسی بزرگ است و بدی حال من از حد گذشته و  
اعمال من نارسا است و زنجیرهای علایق مرا خانه نشین کرده

وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي وَخَدَعْتَنِي

الدُّنْيَا بَغْرُورِهَا وَنَفْسِي بِجُنَايَتِهَا وَمِطَالِي

و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشته و دنیا با ظواهر  
فریبنده اش مرا گول زد و نفسم بوسیله جنایتش و به مسامحه گذراندم



يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحُجِبَ عَنْكَ  
دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي

ای آقای من پس از تو می خواهم به عزتت که بدی رفتار و کردار من رفتار و کردار من دعایم را از اجابتت جلوگیری نکند

وَلَا تُفْضِحْنِي بِمَخْفِيٍّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي  
وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي

و رسوا نکنی مرا به آنچه از اسرار پنهانی اطلاع داری و شتاب نکنی  
در عقوبتم برای رفتار بد و کارهای بدی که در خلوت انجام دادم

مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَقْرِيطِي  
وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهْوَاتِي وَغَفْلَتِي

و ادامه دادنم به تقصیر و نادانی و  
زیادی شهوترانی و بی خبری ام

وَكَنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ أَحْوَالٍ رَوُفًا  
وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا

و خدايا به عزتت سوگند که در تمام احوال نسبت به من  
مهربان باش و در تمام امور بر من عطوفت فرما

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ  
أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

ای معبود من و ای پروردگار من جز تو که را دارم که  
رفع گرفتاری و توجه در کارم را از او درخواست کنم

إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ  
حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي

ای خدای من و ای مولای من تو بر من حکمی را مقرر داشتی  
که در اجرای آن پیروی هوای نفسم را کردم

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي

فَعَرَّني بِمَا أَهْوَى

و از فریبکاری دشمنم در این باره نه‌راسیدم  
پس او هم طبق دلخواه خویش فریبم داد.

وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزَتْ بِمَا

جَرَى، عَلَى مَنُ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ،

وَخَالَفَتْ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

و قضا (و قدر) هم با او کمک کرد و در اثر همین ماجرای  
شومی که بر سرم آمد نسبت به پاره‌ای از حدود و احکامت  
تجاوز کردم و در برخی از دستوراتت راه مخالفت را پیمودم



فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ  
وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَىٰ عَلَىٰ فِيهِ قَضَاؤُكَ  
وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ

پس در تمام آنچه پیش آمده تو را ستایش می کنم و اکنون از  
حکمی که درباره کیفر من جاری گشته و قضا و آزمایش تو مرا  
بدان ملزم ساخته حجت و برهانی ندارم

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي

و اینک ای معبود من در حالی به درگاہت آمده ام  
که دربارہ ات کوتاہی کرده  
و بر خود زیادہ روی نموده

مَعْتَذِرًا نَادِمًا مِنْكَ كَسِيرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا

مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا

و عذرخواه و پشیمان و دل شکسته و پوزش جو و  
امرزش طلب و بازگشت کنان  
و به گناه خویش اقرار و اذعان و اعتراف دارم

لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعاً

أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي

راه گریزی از آنچه از من سر زده نیابم  
و پناهگاهی که بدان رو آورم در کار خویش ندارم

غَيْرِ قَبُولِكَ عُذْرِي

وَأَدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ

جز اینکه تو عذر من بپذیری  
و مرا در فراخنای رحمت درآوری

اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُدْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي

وَفُكِّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي

پس ای خدای من عذرم بپذیر و بر سخت پریشانیم  
رحم کن و از بند سخت گناهانم رهایی ام ده

يَا رَبُّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي

ای پروردگار من! رحم کن بر ناتوانی بدنم

وَرِقَّةٌ جِلْدِيٌّ وَدِقَّةٌ عَظْمِيٌّ

و نازکی پوست تنم و باریکی استخوانم



يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَعْذِيَّتِي

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي

ای کسی که آغاز کردی به آفرینش من و به یاد من و پرورش من و به  
احسان و خوراک دادنم اکنون به همان بزرگواری و کرم نخستت و سابقه  
احسانی که به من داشتی مرا ببخش

يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي

اَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِبَارِكٍ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ

ای معبود من و ای آقای من و ای پروردگرم آیا تو به راستی چنانی که  
مرا به آتش عذاب کنی پس از اینکه به یگانگیت اقرار دارم

وَبَعْدَ مَا انطوى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ

و دلہم بہ نور معرفت آباد گشتہ

وَأَهْجَ بِهٖ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ  
وَأَعْتَقَدُهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ

و زبانم به ذکر تو گویا شده و نهادم به دوستی تو پیوند شده

وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي

خَاضِعِ عَالِمِ رُبُوبِيَّتِكَ

پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه ام  
به مقام بنده پروری و ربوبیتت

هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضِيعَ مَنْ رَبَّنَا

أَوْ تَبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْنَا

بسیار دور است! تو بزرگوارتر از آنی که از نظر دور داری کسی را  
که خود پروریده‌ای یا دور گردانی کسی را که خود نزدیکش کرده

أَوْ تُشْرِدَ مَنْ أَوْيْتَهُ

أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحْمَتَهُ

یا تسلیم بلا و گرفتاری کنی کسی را که خود سرپرستی کرده  
و به لطف پروریده‌ای

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَآلِهِي وَمَوْلَايَ  
أَسْلَطُ النَّارَ عَلَى وَجُوهِ خَرَّتْ لِعِظَمَتِكَ سَاجِدَةً

و کاش می دانستم ای آقا و معبود و مولایم آیا چیره می کنی آتش  
دوزخ را بر چهره‌هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده



وَعَلَى الْأُسْنِ نَطَقْتُ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً  
وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً

و بر زبانهای که صادقانه به یگانگیت گویا شده  
و سپاسگزارانه به شکرت باز شده

وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِهْيَاتِكَ مُحَقَّقَةً وَعَلَى ضَمَائِرَ

حَوَتْ مِنْ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً

و بر دل‌هایی که از روی یقین به خدائیت اعتراف کرده اند  
و بر نهادهایی که علم و معرفت آنها را فرا گرفته  
تا به جایی که در برابرت خاشع گشته

وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أوطانِ تَعْبُدِكَ

طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

و بر اعضاء و جوارحی که مشتاقانه به پرستشگاهایت شتافته  
و با حال اقرار به گناه جویای آمرزش تو هستند

ما هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ

وَلَا أُخْبِرُ نَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

چنین گمانی به تو نیست  
و از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده

یا کریمُ یا رَبُّ

ای خدای کریم ای پروردگار من

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ

مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا

و تو ناتوانی مرا در مقابل اندکی از بلای دنیا  
و کیفرهای ناچیز آن می دانی

وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمُكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا

و ناملايماتی که معمولاً بر اهل آن می رسد

عَلَىٰ أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَّا كُنْتُمْ

يَسِيرٌ بِقَائِهِ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ

در صورتی که این بلا و ناراحتی دوامش کم است  
و دورانش اندک و مدتش کوتاه است



فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْأُخْرَةِ

وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمُكَارِهِ فِيهَا

پس چگونه تاب تحمل بلاى آخرت  
و آن ناملايمات بزرگ را در آنجا دارم

وَهُوَ بِلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ

وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

در صورتی که آن بلا مدتش طولانی  
و دوامش همیشگی است  
و تخفیفی برای مبتلایان به آن نیست

لِإِنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ

وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ

زیرا آن بلا از خشم و انتقام و غضب تو  
سرچشمه گرفته

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ

زیرا آن بلا از خشم و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته و آن هم چیزی است که آسمانها و زمین تاب تحمل آن را ندارند

يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ

الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

ای آقای من! تا چه رسد به من بنده ناتوان  
خوار ناچیز مستمند بیچاره

يَا اِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، لِاِيِّ اَلْاُمُوْرِ

اِلَيْكَ اَشْكُوْ وَلِمَا مِنْهَا اَضْجُ وَاَبْكِي

ای معبود و پروردگار و آقا و مولای من! برای کدامیک از  
گرفتاریهایم به تو شکایت کنم  
و برای کدامیک از آنها شیون و گریه کنم؟

لَا لِيُمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ  
فَلَيْنُ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ

آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای بلای طولانی و مدید  
پس اگر بنا شود مرا بخاطر کیفرهایم در زمره دشمنانت اندازی

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ  
وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْبَائِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ

و مرا با گرفتاران در بلا و عذابت در یکجا گردآوری  
و میان من و دوستانت جدایی اندازی



فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي

صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ

گیرم که ای معبود و آقا و مولا و پروردگارم من بر عذاب تو صبر کنم اما چگونه بر دوری از تو طاقت آورم

وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ

أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ

و گیرم که ای معبود من حرارت آتشت را تحمل کنم؛  
چگونه چشم پوشیدن از بزرگواریت را بر خود هموار سازم

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ

یا چگونه در میان آتش بمانم با اینکه امید عفو تو را دارم

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

پس به عزتت سوگند ای آقا و مولای من

أُقْسِمُ صَادِقًا لَيْنُ تَرَكَتَنِي نَاطِقًا  
لَا ضَجْبَنَ إِيَّاكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجْبَجِ الْآمِلِينَ

براستی سوگند می خورم که اگر زبانم را در آنجا بازبگذاری  
حتماً در میان دوزخیان شیون را بسویت سر دهم  
همچون شیون اشخاصی آرزومند

وَلَا صُرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ

وَلَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ

و مسلماً چون فریادرس خواهان به درگاہت فریاد برآرم و  
قطعاً مانند عزیز گمگشتگان بر دوری تو گریه و زاری کنم

وَلَا نَادِيَنَّكَ آئِينَ كُنْتَ يَا وَليَّ الْمُؤْمِنِينَ

يا غايَةَ آمالِ العارِفينَ

و با صدای بلند تو را می خوانم و می گویم  
کجایی ای یار و نگهدار مؤمنان ای منتهای آرمان عارفان

# یاغیاثُ المُستَغیثینَ

ای فریادرس درماندگان



يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ  
وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

ای محبوب دل راستگویان  
و ای حیران کننده عالمیان

أَفْتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي

وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

آیا براستی چنان می بینی ای منزّه و معبودم که به ستایشت  
مشغولم که بشنوی در آن آتش صدای بنده مسلمانی

سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ  
وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ

را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده  
و مزه عذاب آتش را به خاطر نافرمانیش

وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا جُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ  
وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِجَ مُؤْمَلٍ لِرَحْمَتِكَ

و در میان طبقات دوزخ به واسطه جرم و جنایتش گرفتار شده  
و در آن حال به درگاهت شیون کند  
شیون شخصی که آرزومند رحمت توست

وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ

وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

و به زبان یگانه پرستان تو را فریاد زند  
و به بنده پروریت متوسل گردد

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ

وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ

ای مولای من! پس چگونه در عذاب بماند  
با اینکه به بردباری سابقه دارت چشم امید دارد

أَمْ كَيْفَ تُوَلِّهُ النَّارُ  
وَهُوَ يَأْمُرُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ

یا چگونه آتش او را بیازارد  
با اینکه آرزوی فضل و رحمت تو را دارد

أَمْ كَيْفَ يَحْرِقُهُ لَهْيُهَا  
وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ

یا چگونه شراره های آتش او را دربرگیرد با اینکه تو صدایش را  
بشنوی و جایش را بینی



أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ

یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند  
با اینکه تو ناتوانیش دانی

أَمْ كَيْفَ يَتَّقِلُّ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

یا چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند  
با اینکه تو صدق و راستگویی اش را دانی

أَمْ كَيْفَ تَزَجُرهُ زَبَانِيَّتُهَا

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ

یا چگونه موکلان دوزخ او را با تندی برانند  
با اینکه تو را به پروردگاری بخواند

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا  
فَتَرُكُهُ فِيهَا

یا چگونه ممکن است که امید فضل تو را در آزادی خویش داشته باشد  
ولی تو او را به حال خود واگذاری

هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ

وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ

چه بسیار از تو دور است و چنین گمانی به تو نیست  
فضل تو اینسان معروف نیست

وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَهُ بِهٍ الْمُؤَحَّدِينَ

مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ

و نه شباهت با رفتار تو نسبت به یگانه پرستان دارد  
با آن نیکی و احسانت که نسبت بدانها داری

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَاكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ

و من بطور قطع می دانم که اگر فرمان تو در معذب ساختن

منکرانت صادر نشده بود و حکم تو به همیشه ماندن

در عذاب برای دشمنانت در کار نبود

لَجَعَلْتُ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأٌ وَلَا مُقَامًا

حتماً آتش دوزخ را هر چه بود به تمامی سرد و سالم می کردی  
و هیچکس در آن منزل و مأوا نداشت



لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا

مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

ولی تو ای خدایی که تمام نامهایت مقدس است سوگند یاد کرده ای که دوزخ را از کافران از پریان و آدمیان پر کنی و دشمنانت را برای همیشه در آن جا دهی

وَأَنْتَ جَلٌّ شَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ

بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا

كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

و تو که حمد ثنایت برجسته است در ابتداء بدون سابقه فرمودی و به این انعام از روی بزرگواری تفضل کردی که فرمودی آیا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است؟ نه یکسان نیستند

اِلهِی وَسَیِّدِی فَاسْئَلُکَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِی قَدَّرْتَهَا  
وَبِالْقَضِیَّةِ الَّتِی حَتَمْتَهَا وَحَاکَمْتَهَا  
وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَیْهِ اَجْرَتُهَا

ای معبود من و ای آقای من بحق آن نیرویی که مقدرش کردی و به فرمانی که  
مسلمش کردی و صادر فرمودی و بر هر کس آن را اجرا کردی مسلط گشتی

أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ

از تو می خواهم که ببخشی بر من  
در این شب و در این ساعت

كُلُّ جُرْمٍ أَجْرُمْتُهُ وَكُلُّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ  
وَكُلُّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ

هر جرمی را که مرتکب شده ام و هر گناهی را که از من سرزده  
و هر کار زشتی را که پنهان کرده ام

وَكُلٌّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ كَتَمْتَهُ

أَوْ أَعْلَنْتَهُ أَخْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ

و هر نادانی که کردم چه کتمان کردم  
و چه آشکار چه پنهان کردم و چه در عیان

وَكُلُّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ  
الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

و هر کار بدی را که به نویسندگان گرامیت دستور یادداشت کردنش را دادی  
همان نویسندگانی که آنها را موکل بر ثبت اعمال من کردی

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَىٰ مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتَ أَنْتَ  
الرَّقِيبَ عَلَىٰ مَنْ وَرَأَيْتَهُمُ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ

و آنها را به ضمیمه اعضاء و جوارحهم گواه بر من کردی اضافه بر آنها خودت نیز  
مراقب من بودی و گواه اعمالی بودی که از ایشان پنهان می ماند



وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

و البته به واسطه رحمت بود که آنها را پنهان داشتی  
و از روی فضل خود پوشانیدی

وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ  
أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ أَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ

و نیز خواهیم که بهره‌ام را وافر و سرشار گردانی از هر خیری  
که فرو ریزی یا احسانی که بفرمایی یا نیکی‌هایی که پخش کنی

أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ

أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ

یا رزقی که بگسترانی یا گناهی که بیامرزی  
یا خطایی که بپوشانی

يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ

پروردگارا پروردگارا پروردگارا

يَا اِهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِفِي

يَا مَنْ يَدِي ناصِيَتِي

اي معبود من اي آقا و مولاييم و اي مالک من  
اي کسی که اختيارم بدست او است

يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكَنتِي

يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي

ای دانای بر پریشانی و بی نوائیم  
ای آگه از بی چیزی و نداریم

يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ

پروردگارا پروردگارا پروردگارا

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ  
وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ

از تو می خواهم به حق خودت و به ذات مقدست  
و به بزرگترین صفات و اسمائت



أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً  
وَتَأْخُذَ مِنِّي مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً

که اوقاتم را در شب و روز به یاد خودت معمور و آباد گردانی  
و به خدمت پیوسته داری و اعمالم را مقبول درگاہت گردانی

حَتَّىٰ تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا  
وَرِدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

تا اعمال و گفتارم همه یک جهت برای تو باشد  
و حالم همیشه در خدمت تو مصروف گردد

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي

يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي

ای آقای من ای کسی که تکیه گاهم او است  
ای کسی که شکایت احوال خویش به درگاه او برم

يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ

پروردگارا پروردگارا پروردگارا

قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي  
وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي

اعضای مرا بر انجام خدمت نیرو ده  
و دلم را برای عزیزمت به سویت محکم گردان

وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالِدَّوَامَ فِي  
الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ

و به من کوشش در ترس و خشیت  
و مداومت در پیوستن به خدمت عطا فرما

حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ

وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ

تا تن و جان را در میدان‌های پیشتازان بسویت  
برانم و در زمره شتابندگان بسویت بشتابم

وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ وَأَدْنُو

مِنْكَ دُنُوًّا الْمُخْلِصِينَ

و در صف مشتاقان اشتیاق تقریب را جویم  
و چون نزدیک شدن مخلصان به تو نزدیک گردم



وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَأَجْتَمِعُ فِي

جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

و چون یقین کنندگان از تو بترسم  
و در جوار رحمتت با مؤمنان در یکجا گرد آیم

اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ

وَمَنْ كَادَنِي فَكِنُّهُ

خدایا هر که بد مرا خواهد بدش را بخواه و هر  
که به من مکر کند به مکر خویش دچارش کن

وَأَجْعَلُنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ  
وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِهِمْ زُفَّةً لَدَيْكَ

و نصیبم را پیش خود بهتر از دیگر بندگان قرار ده  
و منزلتم را نزد خود نزدیکتر از ایشان کن و رتبه‌ام را  
در پیشگاهت مخصوص تر از دیگران گردان

فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

وَجُدُّ لِي بِجُودِكَ وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ

که براستی جز به فضل تو کسی به این مقام نرسد  
و به جود و بخشش خود به من جود کن  
و به مجد و بزرگواری خود بر من توجه فرما

وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي

بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِمًّا

و به رحمت خود مرا نگهدار و قرار ده زبانم را به  
ذکرت گویا و دلم را به دوستیت بی قرار و شیدا

وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ  
وَأَقْلَنِي عَثْرَتِي وَأَغْفِرْ زَلَّتِي

و با اجابت نیکت بر من منت بنه  
و لغزشم را نادیده گیر و گناهم را بیامرز

فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ  
وَأَمْرُهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

زیرا که تو خود بندگانت را به پرستش خویش فرمان دادی  
و به دعا کردن به درگاهت مأمور ساختی  
و اجابت دعایشان را ضمانت کردی

فَالْيُكَّ يَا رَبُّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا

رَبُّ مَدَدْتُ يَدِي

پس ای پروردگار من به سوی تو روی خود گذاشتم  
و به درگاه تو ای پروردگارم دست حاجت دراز کردم



فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ  
وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي

پس به عزت دعایم را مستجاب فرما و به آرزویم برسان  
و امیدم را از فضل خویش قطع منما

وَكَفَى شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

و شر دشمنانم را از جن و انس  
کفایت فرما ای خدای زودگذر

يَا سَرِيعَ الرُّضَا

ای کسی که زود راضی می شوی

إِغْفِرْ مَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ

بیامرز کسی را که جز دعا چیزی ندارد که برآستی تو هر چه  
را بخواهی انجام دهی

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ

ای کسی که نامش دوا  
و یادش شفاست

وَطَاعَتُهُ غِنَىٰ إِرْحَمَ مَنْ رَأَىٰ مَالِهِ الرَّجَاءُ  
وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

و طاعتش توانگری است ترحم فرما بر کسی که سرمایه  
اش امید و ساز و برگش گریه و زاری است

ياسابغ النعم يادافع النقم يانور  
المستوحشين في الظلم يا عالم الا يعلم

ای تمام دهنده نعمتها و ای برطرف کننده گرفتاریها  
ای روشنی وحشت زدگان در تاریکی ها ای دانای بی معلم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

درود فرست بر محمد و آل محمد  
و انجام ده درباره من آنچه را که تو شایسته آنی



وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ  
وَالْأَيْمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ  
وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و درود خدا بر پیامبر و پیشوایان با برکت از خاندانش و  
سلام فراوان

تقدیم به روح بلند خلبان تیز پرواز  
نیروی هوایی الهی  
ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسیجی شهید

مرتضی پورحیب



التماس دعا